



## سر نوشت دردناک

آخرین پادشاه سلجوقی

بعد از مرگ ارسلان شاه سلجوقی، فرزندش طغرل بن ارسلان، یا آخرین پادشاه سلجوقیان عراق (غرب ایران) به حکومت رسید (۵۷۳ هجری قمری). طغرل در آغاز حکومت خود، یاری اتابک محمد جهان پهلوان، بر جمیع مشکلات فائق آمد و با کمال رفاه و آسایش پادشاهی کرد. وی در ده سال اول سلطنت خود، بکوشش اتابک محمد جهان پهلوان، پسر بزرگ اتابک اعظم ایلام (اتابک آذربایجان)، بدون هیچگونه ناراحتی بسر برد. خلیفه بغداد، با وجود اتابک مذکور و کاردانی وی بیچوجه نتوانست، به شیوه دیرینه خلفای عباسی، در تضعیف طغرل سوم اقدامی کند.

اتابک محمد جهان پهلوان، در سال ۵۸۱ هجری در قلعه طبرکری جهان را بسد رود گتت. بعد از مرگ اتابک، امیران و بزرگان کشور در اطاعت از طغرل سوم و قزل ارسلان دودل بودند و همین امر موجبات نفاق و آشفتنگی اوضاع را فراهم کرد.

چندک معروف طغرل سوم و خوارزمیان در سمنان بطوریکه خوند میورد حبیب السیر آورده است خوارزمشاه تگش در سال ۵۸۸ هجری

\* عبدالرفیع حقیقت (رفیع) از تاریخ نویسان محقق معاصر.  
۱- حبیب السیر تألیف خوند میر چاپ خیام جلد دوم صفحه ۵۳۵.

به ری آمد و برای طغرل سوم پیغام فرستاد که: «در جملهٔ عراق باید سکه و خطبه بنام ما باشد و بعد از ذکر خلیفه ذکر من کنند. چندبار رسولان آمد و شد کردند، قرار شد که کار بخوارزمشاه بازگردد، برین عهد و قرار، خوارزمشاه بازگشت و جماعت اتابکیان قرآن خوان و قراگزمیان وقتانه و شمله کش، درینوقت، بولایت حرفادقان بودند، چون خوارزمشاه بازگشت این جماعت بر اثر او نرفتند و او را برنقض عهد و میثاق بازداشتند.» بهر حال با انجام این کار، جنگ سختی بین طغرل سوم و خوارزمیان، درخوارو سمنان، اتفاق افتاد و سپاه خوارزمیان که عدهٔ آنها راهننهزارتن نوشته اند شکست خوردند و بسیاری از آنان کشته و جمعی اسیر گردیدند (محرم سال ۵۹۰ هجری قمری). بمناسبت وقوع این جنگ تاریخی و فتح آن بدست طغرل سوم سلجوقی، در سمنان، دو بیت شعر زیر که دارای لطف ادبی خاصی است در همان هنگام سروده شده است.

ای پیش عزیزان تو خوارزمی خوار (زبون)      وی خنجر بران تو خوارزمی خوار (خورنده)  
 زین پیش نیارد که بیند در خواب      از جمله سمنان تو خوارزمی، خوار (گرمسار)

### کشته شدن طغرل سوم و انقراض حکومت سلجوقیان در ایران

جنگ پیروزمندانۀ طغرل شاه سلجوقی (طغرل سوم) با سپاه خوارزمیان، در دۀه خواد (گرمسار فعلی)، که به شکست سپاه خوارزم و فرار قتلغ اینانج، سردار حامی خوارزمشاه تکش، به گرگان، منجر گردید، بر خوارزمشاه تکش بسیار گران آمد. بهمین جهت، با عزمی راسخ و سپاهی مجهز، به سوی ری حرکت کرد. پس از راه پیمائی، سرانجام در روز پنجشنبه آخسر ربیع الاول سال ۵۹۰ هجری به دروازهٔ ری رسید. طغرل شاه نیز، پس از آگاهی بر خبر حرکت خوارزمشاه تکش، بمنظور مقابله و جنگ با وی، از همدان رهسپار ری گردید. جنگ دره خوار و پیروزی چشم گیر طغرل شاه در آن معرکه، پیش از حد تصور او را مغرور کرده بود. بطوریکه مورخان نوشته اند، وی با افراد بسیار کم، در مقابل خوارزمشاه تکش ظاهر شد و آمادهٔ جنگ گردید. پیش بینی میتوان کرد، اگر افراد سپاه او در این جنگ، مانند خود وی، دلیری و پایمردی میکردند، پیروزی نصیب طغرل شاه سلجوقی میگردد ولی افراد سپاه وی به اشارهٔ امیران لشکر سلجوقی، که در باطن با طغرل میانه خوبی نداشتند و در گذشته نیز با نوشتن نامه های محرمانه خوارزمشاه تکش را به تسخیر ری و همدان و بالاخره غرب ایران تشویق کرده بودند، در گیر و دار جنگ، دسته دسته، پا به فرار نهادند، و او را در موقعیت بسیار حساسی، در میدان نبرد تنها، گذاشتند. در این موقع آخرین پادشاه سلجوقی، دست از جان شست و با کمال شهامت و دلوری، بکه و تنها، به قلب سپاه دشمن تاخت. افراد سپاه خوارزمشاه تکش او را در محاصره گرفتند، ولی با بکار بستن هر گونه حيله و تلاش موفق به دستگیری وی نشدند، ناگزیر در اثر ضربات شمشیر او را

به قتل رساندند، و سرش را از تن جدا کردند. فصیح احمد بن جلال الدین محمد خوافی مؤلف  
مجموعه فصیحی نوشته است که طغرل «در اثنای مصاف گریزی بر دست اسب خود زد، اسب او  
رفاد، او را کشتند و سر او را بدارالخلافة بغداد پیش خلیفه بسردند، و جنه او پیش سلطان  
علامه الدین قکاش خان به ری بردند و در ری، روز پنجشنبه بیست و نهم ربیع الاول، در بازار، جنه  
او را بر دار کردند»<sup>۱</sup> بهر حال طبق دستور علاء الدین تکش خان (شاه خوارزم)، سر طغرل سوم  
آخرین پادشاه سلجوقی، برای مرکز و لانه فساد آن دوران، یعنی بغداد پایتخت خلافت منحوس  
و نفور عباسیان، فرستاده شد که متأسفانه با همه ضعف و فتوری که در پایه های حکومت آنان مشاهده  
میشد، مع الوصف در راه نفوذ فکری و سنت گرائی، یعنی حفظ تفوق همیشگی قوم عرب بر مردم  
دیگر ممالک سامان، به بهانه اجرای مقررات مذهب اسلام دست آویزی به نام و عنوان ریاست مسلمانان  
چنان (امیر المؤمنین)، همچنان موفق بودند. بیکر بی سر او را میان بازار ری بیاویختند، بزرگی  
در آن روز چه بیکر گفته است:

امروز آنها زمانه چون دل تنگ است      فیروزه چرخ هر زمان يك رنگ است  
دی، از سر تو تا بفلک يك گز بود      امروز ز سر تا بدنت فرسنگ است

به این ترتیب، با قتل طغرل سوم، حکومت سلجوقیان در ایران بطور کلی منقرض گردید (آخر  
ربیع الاول سال ۹۵۰ هجری) بطوریکه نوشته اند: طغرل سوم شاعری نازک طبع بوده است. عوفی  
در اجاب الاجاب در باره وی چنین آورده است: «السلطان الشهيد طغرل سقی الیثراء، سلطان ممالک  
آفاق و محسوس و تمامت عراق، پادشاهی که توسن ایام رام زین امکان او بود، و ابلق روزگار مرتاض  
حکم و فرمان او، چون بر سر بر مملکت استقرار یافت، دانست که دولت معشوقی بی وفاست و  
عمر حریفی گریز باست، خواست که داد از روزگار بستاند و آن اندک حیات مستعار را به خوش  
و خرمی گذراند، روی به تعاطی اعقار آورد، و شب و روز با شاهدان تیرانداز بادم، تیغ زن  
نمزه، ذره پوش زانف، شکر فروش اب، بعشرت و تماشا مشغول شده بزم را بر رزم اختیار کرد،  
لاجرم اختلال در کار پادشاهی پدید آمد و سلك دولت از نظام بگسیخت و اتابك قزل ارسلان  
که از بنده زادگان او بود بیرون آمد و او را مقید گردانید و ملك فرو گرفت. در آن حالت  
این رباعی در نظم آورده است. سخت مطبوع و لطیف است، میگوید:

در بند غم، گره گشایا، میسند      وین کاهش جاه، جان فزایا میسند  
و ز بنده و بنده زاده ای چندین ظلم      بر خواجه خویشتن، خدایا میسند

و در آن وقت که ملك مؤید بحرب او رفت و ناگاه بسر او رسید و او را اعلام دادند، بر فور،  
سلاح داراشارت کرد و گفت:

۱ - مجموعه فصیحی به تصحیح استاد محمود فرخ خراسانی جلد دوم صفحه ۲۷۱

کین کار مرا فناد، هم در کوشم  
من ملک عراق را بسر نفروشم

آن جوشن من بیار تا در پوشم  
تا در تنم است جان و سر بسر دوشم  
و در وقت استخلاص بلاد ارمن واران گفت:

بیرون نکم حزن زدل، زن باشم  
گاو تو از آن خسرمن، خرمن باشم

ای دل به هوای ارمن، ارمن باشم  
وی چرخ، اگر بحیله بیرون نکم

و او را ابیات لطیف بسیار است «اما این قدر بر خاطر بود. ایراد کرده آمد»<sup>۱</sup>  
این بود احوال آخرین فرمانروای نازک خیال سلجوقیان که با کشته شدن وی دولت  
سلجوقیان بکلی در ایران منقرض گردید.

۱ - باب الالباب عوفی جلد اول صفحه ۴۲ - ۴۱

## نماز عادتی - نماز روحانی

با همه کام خویش باز آئی  
نیستی کار پخته، کار خام کنی  
سجده صدق، صد قیام ارزد  
خاک باشد که باد بر پاشد  
آن به آید که خشک جنبانی  
خشک جنبان بود همیشه گدای  
خشک بگذار و سمر دریا سمر

چون تو با صدق در نماز آئی  
ورتوبی صدق سلام کنی  
یک سلامت، دو صد سلام ارزد  
کان نمازی که عادتی باشد  
اندرین ره نماز روحانی  
جان سزارد، نماز بار خدای  
سمرت باید که مرد باشی مرد

از حدیقه الحقیقه و طریقه الشریعه حکیم سنائی. قرن ششم هجری